



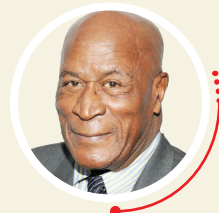
نامزدهای نهایی جایزه ابیوت

فهرست نامزدهای نهایی جایزه ادبی «تی اس ابیوت»، با حضور «ریموند آنتروپاس» اعلام شد. به گزارش ایسنا، «ریموند آنتروپاس»، «کارل فیلیبس» و «کارن مک کارتی وولف» از جمله شاعرانی هستند که برای دریافت جایزه «تی اس ابیوت» ۲۰۲۴ به عنوان نامزدهای نهایی برگزیده شده‌اند. جیبویگا اودویانوچو که سال گذشته درگذشت، برای نگارش نخستین مجموعه شعر خود با عنوان «آدام» در فهرست این جایزه قرار گرفته است. جایزه ۲۵ هزار پوندی «تی اس ابیوت» به شاعر بهترین مجموعه شعر جدیدی که در بریتانیا و ایرلند منتشر شده باشد، اهدا می‌شود. آنتروپاس، شاعر بریتانیایی، برای نگارش چهارمین مجموعه شعر خود «علامت‌ها، موسیقی» که به پدر بودن و مردانگی می‌پردازد، در این فهرست قرار گرفته است. مک کارتی وولف برای «عروسک برتر» و فیلیبس شاعر آمریکایی که در سال ۲۰۲۳ برنده پولیتزر شعر شده بود برای «برف‌هایی که به سمت شمال پخش شدند» به عنوان نامزدهای انتخاب شده‌اند.



بازگشت دوباره دنیل دی لوئیس به سینما

دنیل دی لوئیس، بازیگر مشهور سینما که هفت‌سال قبل اعلام بازنشستگی کرده بود، از تصمیم قبلی خود به‌خاطر بازی در فیلم جدید پسرش با نام «شقایق» گذشت؛ اتفاقی که مسلماً اکثر سینمادوستان از آن استقبال می‌کنند. دنیل دی لوئیس - که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازیگران نسل خود شناخته می‌شود- پس از هفت‌سال دوری از سینما حالا به‌خاطر بازی در فیلم «شقایق» که اولین کارگردانی پسرش، رونان دی لوئیس است به سینما بازگشته است. دنیل و رونان دی لوئیس، این فیلم را با هم نوشته‌اند که به بررسی روابط پیچیده بین پدران، پسران و برادران، همچنین داینامیک‌های پیوندهای خانوادگی» می‌پردازد. دنیل دی لوئیس در این فیلم نقش اصلی را بازی می‌کند؛ اولین نقش آفرینی او در فیلم «رشته خیال» در سال ۲۰۱۷ است. دنیل دی لوئیس که سه جایزه اسکار در کارنامه‌اش دارد، در فیلم‌های «لینکن» ساخته استیون اسپیلبرگ، «خون به پای می‌شود» ساخته پل توماس اندرسون و «پای چپ من» ساخته جیم شریدان به ایفای نقش پرداخته است.



بازیگر «جان سخت» درگذشت

جان آموس، بازیگر نامزد جایزه امی که برای بازی در نقش پدر در سریال «اوقات خوش» شناخته می‌شد، در ۸۴سالگی درگذشت. پسر این بازیگر اعلام کرده است که پدرش به مرگ طبیعی در لس آنجلس درگذشت. آموس در فیلم‌هایی چون «جان سخت» و «مسافر به آمریکا» و «مینی سریال «ریشه‌ها» ایفای نقش کرده است. او در دوران فعالیتش نامز جوایز امی ساعات پربیننده و جایزه امیچ شده بود. آژانس استعدادیابی بوچوالد، مرگ او را اعلام کرد اما علت آن را مشخص نکرد. همچنین مشخص نیست چرا خانواده این بازیگر هفته‌ها انتشار مرگ او را به تأخیر انداختند. آموس پس از بازی در ۱۳ تیم فوتبال در دهه ۲۰ زندگی خود به‌دلیل آسیب‌دیدگی، این حرفه را رها کرد و در مشاغل مختلفی ازجمله حفر خندق، چوب‌بری، مدیر رستوران، مددکار اجتماعی و کیپر ایتر تبلیغات مشغول به‌کار شد. او دارای استعداد نمایشی بود که این استعداد را به نوشتن جوک‌هایی که در کلپ‌های شبانه اجرایشان می‌کرد، هدایت کرد.

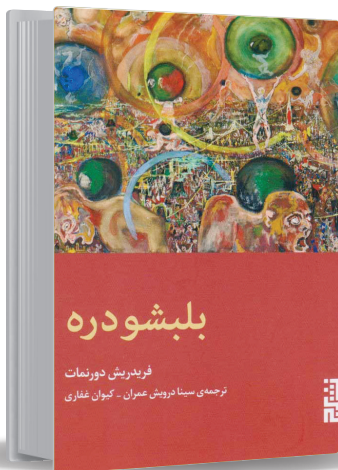
خوشا به حال فقرا

نگاهی به رمان «بلبشودره»، فریدریش دورنمات که ترجمه آن به تازگی منتشر شده است



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ



«بلبشودره»، با نام اصلی Durcheinandertal به آلمانی و Vale of Confusion به انگلیسی، آخرین اثر کامل بر جای مانده از فریدریش دورنمات، رمان نویس و نمایش‌نامه‌نویس شهیر سوئیس است که در ایران بیشتر با نمایشنامه‌هایش که توسط کارگردانان شناخته‌شده تئاتر و از جمله مشهورترین آن‌ها؛ حمید سمندریان روی صحنه رفت، شناخته می‌شود. نام دورنمات اگرچه برای مخاطب ایرانی بیش از هر چیز مترادف نام مترجم‌اش حمید سمندریان، محمود حسینی‌زاد ... است و با نمایشنامه‌های قابل توجه او چون؛ «ملاقات با بانوی سالخورده»، «شهاب آسمانی»، «غروب روزهای آخر پاییز و پنجری»، «گفت‌وگوی شبانه» و «ازواج با آقای می‌سی‌پی» گره خورده است اما این نویسنده سوئیس در رمان نویسی نیز قلمی به‌توانمندی قلمش هنگام‌نگارش نمایشنامه‌دارد.

رمان «بلبشودره»ی فریدریش دورنمات، با ترجمه سینا درویش عمران و کیوان غفاری - دو مترجم زبان آلمانی که از بد روزگار هم‌اکنون هیچ‌کدام در ایران به‌سر نمی‌برند و ناچار به ترک وطن شده‌اند- طنزی ماهرانه دارد و در آن داستانی از زندگی در سوئیس در تعامل با الاهیات و تجربه جنایتی سازمان‌یافته به یکدیگر پیوند خورده است. داستان از قرار معلوم در مکانی دورافتاده در روستایی در سوئیس که به‌اصطلاح «بلبشودره» نامیده می‌شود، اتفاق می‌افتد. مکانی که به‌عنوان محل وقوع داستان، هم طردشده و هم نفرین شده به نظر می‌رسد. رمان با جملاتی درباره شخصیتی شروع می‌شود که چهره‌اش شبیه خدای عهد عتیق است اما بدون ریش و در جاده‌ای روستایی کمین کرده

در کل دره وجود دارد وایسته‌اند. اگر این مکان تفریحی خالی باشد، دهکده به حالت ناچیز پیشین خود برمی‌گردد. با این حال وقتی موزس ملکر در زمان اقامت خدای بدون ریش در نقاهت‌سرا، نزد او می‌رود همه چیز متزلزل می‌شود. ملکر خداشناس که به‌خاطر کتاب‌هایش که از الاهیات فقر در برابر ثروتمندان جانبداری می‌کند به موفقیت قابل توجهی دست پیدا کرده است، به مرد بزرگ پیشنهاد می‌دهد که قدری از دارایی‌هایی خود را که خدا به او داده است جهت ساختن یک نقاهت‌سرا برای افراد ثروتمند صرف کند. ملکر خود را ملزم می‌داند تا ثروتمندترین‌ها را از زیر بار حقارتی که به عقیده او ثروت با خود به همراه می‌آورد، نجات دهد. ملکر می‌خواهد دری از رحمت عالم بالا به سوی این آدمیان به گفته او خوارشده، باز کند. اتحادیه خلافکاران از ایده «خوشا به حال فقرا»ی این واعظ غریب استقبال می‌کند؛ نقاهت‌سرایی در بلبشودره‌ی سوئیس برپا می‌شود تا میلیونرها را از آمریکا تا اروپا گرد هم بیاورد و این جاست که طنز گروتسک‌وار دورنمات گل می‌کند، پنهان‌ترین لایه‌های سقوط‌انسان‌را به‌گرنده‌ترین شکل ممکن به‌تصویر می‌کشد و اثری می‌آفریند که از سوی روزنامه آلمانی راینیشر مرکور، زمانی به‌شدت مجادله‌آمیز است که یک بحث جدلی درست‌وحسابی به‌راه می‌اندازد.

ملکر، این واعظ کاریزماتیک و در عین حال مرموز، آسایشگاه مذکور را با هدف نجات ثروتمندان از بار سنگین ثروتشان تأسیس می‌کند، او معتقد است که ثروت، مانعی برای رستگاری روح است و با تبلیغ فقر و ساده‌زیستی، سعی در تغییر نگرش مهمانان ثروتمند خود دارد. دورنمات با تجمع ثروتمندان در یک‌جا و اودار کردن آن‌ها به کارهایی که برای‌شان دون‌شان به حساب می‌آید، طنزی به وجود می‌آورد و پنهان‌ترین لایه‌های سیاه درون انسان را با کم‌دی نیش دار خود توصیف می‌کند. در نهایت اوضاع در دره بلبشو به‌گونه‌ای پیش می‌رود که هر روز بر دارایی میلیونرها افزوده می‌شود و فقر نیز بیشتر و بیشتر در چاه فقر

معرفی کتاب

بلبشودره
نویسنده: فریدریش دورنمات
مترجمان: سینا درویش عمران و کیوان غفاری
انتشارات: برج
قیمت: ۱۲۰ هزار تومان

است. مردی که به‌عنوان رئیس یک سندیکای جرائم سازمان‌یافته و به‌نوعی در مقام پدرخوانده معرفی می‌شود. پدرخوانده‌ای که مردم نزدش می‌آیند و مشکلاتشان را با او در میان می‌گذارند تا او با کمک دستیار وفادارش، آن‌طور که صلاح می‌داند آن‌ها را حل می‌کند. «بلبشودره» با کاوش تضادهای بین خدای خودخوانده‌ی بدون ریش و موزس ملکر (Moses Melker)، متخصص الاهیات فقر ادامه پیدا می‌کند و هر دو را پیرمردهایی بزرگ می‌داند که منجر به پدید آمدن موقعیت‌هایی گیج‌کننده برای سایر شخصیت‌های می‌شوند.

«بلبشودره» در حاشیه جامعه سوئیس می‌گذرد؛ حاشیه هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر اجتماعی. ساکنان این دره بیکار و بی‌هدفند و برای معیشت خود، تنها به کسب‌وکار برآمده از حمام‌های آب گرم که

يك آخر الزمان شخصی



زینب کاظم‌خواه

خبرنگار گروه فرهنگی

معرفی کتاب

جنون اخلاقی
نویسنده: مارگارت آتوود
مترجم: منیژه صدیقی
انتشارات: ققنوس
قیمت: ۲۵۹ هزار تومان



در حالی که هیچ اقدام تکان دهنده‌ای مانند آدم‌خواری یا خشونت علیه حیوانات وجود ندارد، اما تهدید اصلی به‌عنوان فاجعه همیشه وجود دارد.

نل به‌غیر از تیترا اخبار، نگرانی‌های دیگری هم دارد؛ او و تیگ حالا در مرز باریکی به‌نام «هنوز» در میان «گذشته» و «آینده‌ای نامشخص» زندگی می‌کنند. او می‌ترسد روزی بیدار و متوجه شود که مانند گربه‌ی سالخورده‌شان نمی‌تواند به یاد بیاورد که کیست و از کجا آمده است. به‌نظر می‌رسد داستان‌هایی که در ادامه می‌آیند پاسخی ضمنی به این سوال هستند.

در طول «جنون اخلاقی»، نقش‌های مختلف زنانه‌ای کاوش شده و نادیده گرفته شده‌اند. وقتی زنی به دیگری می‌گوید: «نمی‌توانستم بفهمم قرار بود تو چه کسی باشی»، در باره‌ی وظیفه و همین‌طور آرزو صحبت می‌کند. در داستان «هنر آشپزی و سرو کردن غذا»، دختر بچه‌ای سعی می‌کند از مادرش که بارداری پرخطری دارد، محافظت کند.

در حالی که داستان‌ها به‌صراحت یک زن را در مراحل مختلف زندگی به تصویر نمی‌کشند، آن‌ها یک ارتباط بالقوه را نشان می‌دهند که خوانندگان را به کشف تجربیات و تاریخچه‌های مشترک شخصیت‌ها دعوت می‌کند.

در ابتدا خوانندگان ممکن است شخصیت‌ها را به‌هم‌پیوسته درک کرده و به گذشته و روابط آن‌ها فکر کنند. با این حال پس از تأمل بیشتر مشخص می‌شود که هر شخصیت دارای یک هویت متمایز است که تنوع

می‌تواند به‌طور غیرمنتظره ظاهر شود.

در نوشته‌های آتوود، مضمون آخرالزمان عنصری تکراری است و اگرچه ممکن است همیشه به شکل‌های افراطی مانند خشونت در «داستان ندیمه» یا فروپاشی در «اوریکس و کریک» ظاهر نشوند، اما همیشه بزرگ هستند و حتی تراژدی‌های شخصی در آثار او حس فاجعه‌ای را به همراه دارند. در جدیدترین مجموعه‌ی او «جنون اخلاقی»، داستان‌ها بیشتر به سبک زندگی‌نامه‌ای هستند و بیشتر بر تجربیات زندگی واقعی تمرکز دارند تا افراط‌های تخیلی.